

«فرهیختگان» حاشیه‌های کنسرت‌های خنده را بررسی می‌کند

اشک فرهنگ به بهانه لبخند



سید مهدی موسوی تبار روزنامه‌نگار

«استندآپ کمدی»، «روحوضی»، «سیاه‌بازی»، «جنگ شادی»، «بمب خنده» یا «کنسرت خنده»؛ اسمش هرچه باشد، همیشه طرفدار داشته و البته حاشیه. این روزها در سایت‌های فروش بلیت‌های کنسرت موسیقی و تئاترها، بخشی متعلق به همین افراد یا گروه‌های خنداننده‌هست؛ برنامه‌هایی که مخاطبان‌شان گاهی تنه به نمایش‌ها و خوانندگان مشهور می‌زنند و بلیت‌شان با وجود گران‌تربودن اما زودتر تمام می‌شوند. این استقبال البته سابقه دارد. همیشه در تاریخ ایران مقلدان ویدله‌گویانی بوده‌اند تا باعث خنده و سرگرمی مردم شوند. دلقک‌ها، مقلدان و سیاه‌بازان نیز در اوج هنرنمایی ویدله‌گویی و ایجاد خنده یا طعنه و کنایه نکاتی را یادآور می‌شدند که دیگران جسارت بیان آن را نداشتند. طنزپردازانی مانند سیداشرف‌الدین گیلانی، جلیل محمد قلی‌زاده، علی اکبر دهخدا و علی اکبر طاهرزاده صابر در دوره مشروطه با استفاده از هزل، هجوو طنز در خدمت مشروطیت درآمدند و آثاری از خود به‌جا گذاشتند. نمایش‌های سنتی روحوضی در دوران مشروطه رنگ کمدی انتقادی و اجتماعی به‌خود گرفتند؛ گرچه هدف‌شان سرگرم کردن بود. در دهه ۳۰، تخته روحوضی در سینما زنده شد که با الهام از شکل طنزگونه نمایش‌های سنتی و گونه‌های مختلف آن در میان مردم، سهم مهمی در شکل بخشیدن به فیلم‌های کمدی داشتند.

کدام کمدی؟

برخی اساتید و اهالی فن، کمدی را به معنی تقلید از اعمال و کردار محیط پیرامون نوع بشر برای اصلاح امور اجتماعی تعریف کرده‌اند، اما حس تقلید از اعمال و کردار همونعان، حیوانات، پرنندگان و آدمیان و تلفیق آن با مسائل اجتماعی بعدها انسان را در شرایطی قرار داد تا به سمت نمایش‌هایی حرکت کند که یا بار خنده در آنها مدنظر بود و به‌عنوان نمایش‌های کمدی شناخته می‌شدند یا بار غم و اندوه داشت که به آن تراژدی می‌گفتند. نمایش‌های کمدی محصول تقلید انسان از اعمال و کردار مضحک حیوانات، پرنندگان، آدمیان و تلفیق آن با مسائل اجتماعی است، اما این گونه نمایش در طول تاریخ اوج و فرودهای بسیاری داشته است؛ آن چنانکه این هنر مردمی در طول تاریخ به عنوان گونه‌ای مستقل و منحصربه‌فرد حفظ شده و همواره به‌عنوان چرخه خنده و اندیشه در عرصه هنر محسوب شده است. در نمایش‌های کمدی، خلق فضای شادی آور توأم با خنده، تفکر برانگیزی و اصلاح گری همواره به‌عنوان وجوه بارز شناخته شده است.

کمدی هجوآلود، کمدی دسیسه، کمدی موقعیت، کمدی خلق خو، کمدی زفتا، کمدی رمانتیک و مضحکه با صورتک و تقلید هزل آمیز (پارودی) از انواع نمایش‌های کمدی است که هر یک بنا به مضامین خاصی نگاشته شده و به اجرا درمی‌آیند.

سابقه طنز در ایران

نزدیک به نیم قرن است که من جوک می گویم. آن زمان کلمه مرکبی به نام استندآپ کمدی وجود نداشت، منتها چون بیچه بودم، اشخاصی مانند سیدکریم که الان آمریکا است، علی بابا و منوچهر نوذری که فوت کرده‌اند، به این کار مشغول بودند. مثلا مرحوم منوچهر نوذری فیلم هم بازی می کرد، اما جوک گویدو یا تایش هم جوک گویدو. اینها برای قبل از انقلاب است، اما بعد از انقلاب چندسالی به خاطر جنگ متوقف شدو بعد از آن من که بزرگ شده واز دوران بچگی خارج شده بودم، استارت این کار را زدم. در یک سفره‌خانه که مربوط به حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی بود، یک شب برنامه‌ای اجرا کردیم که خیلی استقبال شد، اما دیدگاه خیلی‌ها مانند الان نبود. آن زمان دیدگاه‌ها خیلی بسته بود. فکر می کردند مثلا این آدم از لس آنجلس آمده که فرهنگ ما را خراب کند، ماموریتی را انجام دهدو برگردد. کم کم مردم و مسئولان دیدند من در برنامه خودم حدیث ودعای خوانم واز صحبت‌های اسام و بیچه‌های جنگ می گویم. کم کم من را باور کردند. در چند شهر ایران هم سال‌های ۷۰ تا ۸۰ تشنج‌هایی از سوی برخی به‌وجود آمد که نمی‌دانم اسم آنها را تندرو بگذارم یا حزب‌اللهی، اما تقریبا ۲۰ سالی هست که همه حاشیه‌ها و حرف و حدیث‌ها درباره من تمام شده وحتی خودمخالفان صددرصد من دم در دفتر آمده‌اند که نوبت عروسی ما است، پسرمن جشن دارد، شرکت ما جشن دارد، برنامه ایران خودرو است، جشن وزارت اطلاعات است و همه اینها در آرشيو روابط عمومی ارگان‌های جمهوری اسلامی هم هست.

برنامه‌های خارج از کشور

مثلا در دو شهر از سوئذ و سه، چهار شهر از کانادا، چه سلطنت‌طلب‌ها و چه منافقین برنامه‌های ما را دیده بودند وحتی من را تهدید به ترور کردند. آنها فکر می کردند من بیسجی و اطلاعاتی و آدم روحانیت هستم، چراکه در برنامه‌های خود نکات اخلاقی و دینی و ارزشی بیان می کردم. بعد این سبک کلا شکسته شد تا سه، چهار سال پیش که به‌طور رسمی و علنی و قانونی بنیان نهاده و مثلا خندوانه و کلاس‌های استندآپ کمدی برگزار شد.

روال عرفی مجوز برای کنسرت‌های خنده

آن سال‌های اول که در تهران برنامه داشتیم، شورای

ما خیلی باحالیم

اگر سیدکریم، منوچهر نوذری و بعدتر حمید ماهی صفت را از قدیمی‌های خندانند مردم (فارغ از سبک‌های مختلف) بدانیم، سال ۹۵ را می‌توان سال ورود نیروهای تازه‌نفس به این حوزه دانست. برنامه خندوانه که تحول بزرگی در حوزه نشاط و خنده ایجاد کرده بود، با اضافه کردن بخش «خنداننده شو» و غریبال کردن افراد زیادی که در فراخوان شرکت کرده بودند، قدم بزرگی در راه معرفی استعدادهای جوان به جامعه برداشت. این قدم بزرگ قابل پیش‌بینی بود که مخالفان و اعتراضاتی هم در پی داشته باشد، اما مردم با شیوه‌های مختلف خندانند آشنا شدند و حتی کتابی درباره استندآپ کمدی منتشر شد. شهرت و محبوبیت این جوانان باعث شد سازمان‌ها و نهادهای مختلف برای پرکردن برنامه‌هایشان سراغ اینها بیایند که هنوز دستمزدشان مثل برنده‌های این حوزه بالا نرفته است.

گرانی بلیت

در روزگاری که تب تئاترهای لاکچری تند بود، کنسرت‌های خنده دور از چشم دیگران قیمت بلیت‌های خود را بالاتر بردند

و رساندند به ۳۰۰ هزار تومان؛ رقمی که همچنان پابرجاست و اعتراضات مردم هم نتیجه‌ای نداده است. سوال اصلی مردم هم این است که این کنسرت‌های خنده با وجود هزینه‌های پایین‌ترشان نسبت به کنسرت‌ها و تئاترها چرا بلیت‌شان گران‌تر است؟ در این گزارش قرار نیست گفته شود که کم‌دین درآمدهای هنگفت دارد، هرچند منافع مادی، نامی و تبلیغی کمی نمی‌برد، اما می‌توان پرسید کسی که کنسرت خنده می‌گذارد و سود فوق‌العاده‌ای می‌برد، چه اهدافی را ترسیم کرده است؟ از کجا مجوز می‌گیرد و به چه‌قدر یا نهادهی پاسخگو است؟ یک بار و به‌عنوان نمونه در کنسرت حسن ربیوندی در تالار سه هزار نفری وزارت کشور و با احتساب میانگین قیمت بلیت ۱۵۰ هزارتومانی، به رقم ۴۵۰ میلیون تومان برای یک اجرا رسیدیم. با توجه به این نکته که این هنرمند در یک شب دو اجرا داشت و تمام بلیت‌ها هم فروخته شده بود، عدد ۹۰۰ میلیون تومان برای یک شب به دست آمد. چند درصد از این ۹۰۰ میلیون تومان برای هزینه‌ها محاسبه می‌شود. در بدترین حالت اگر نیمی از این رقم خرج هزینه شود، باز هم ۴۵۰ میلیون تومان برای یک شب، درآمدی رویایی است. البته

حمید ماهی صفت در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

برای هر اجرا ۱۰ میلیون تومان می‌گیرم



را باید کجا بخوانم و کجا نباید بخوانم و بگویم سرما خورده‌ام و نمی‌توانم. من به‌شخصه به خاطر پایداری خودم خیلی ملاحظه‌کار هستم. به‌عنوان مثال از دور روز گذشته تا پس‌فردا هفت جشن در نیروی انتظامی چه گذرانم، چه حوزه امنیت، چه نیروی انتظامی مرکز و چه بخش اماکن دارم. وقتی نیروهای انتظامی انتخاب ماهی صفت را دارند، از مقامات بالاتر استعلام کرده‌اند و چراغ سبز شده است.

مجوز سه‌ماهه ارشاد

مجوزهایی که ارشاد به ما می‌دهد، سه‌ماهه است. مواردی پیش می‌آید که البته برای شخص حمید ماهی صفت اتفاق نیفتاده- کسی بوده که رفته مجوز بگیرد، به او گفته‌اند فعلا نمی‌شود، چون نامه آمده شما کارهای غیراخلاقی در برنامه‌های

می‌دانیم که این عدد را نباید ضرب‌در کل سال کرد و ملاحظات هم وجود دارد. فرض کنید یک خانواده چهارنفری بخواهد یک شب خود را با این برنامه بگذرانند. یک میلیون تومان فقط باید برای بلیت‌ها پرداخت کند، بدون اینکه بداند چه چیزی در انتظارش است. تقلید صدا، جوک و گفتن خاطراتی که ممکن است واقعیت هم نداشته باشد، قالب‌هایی است که استندآپ کمدین‌ها از آنها استفاده می‌کنند.

بی‌خیال محتوا

اما مساله مهم محتوای این قالب‌هاست؛ کشش موضوعات جنسی و سیاسی نسبت به دیگر موضوعات در حوزه کمدی وطن، بیش‌تر است. این کشش خاص دوران معاصر نیست و گفته‌اند آدمی به چیزهایی که از آنها منع می‌شود، حرص‌تر است. البته در دهه‌های اخیر افرادی هم آمدند که داعیه ایجاد شوخی سالم یا خنده حلال داشتند که به‌جز یک مورد خاص، نمونه‌مشهور دیگری وجود ندارد. در مقابل شوخی‌های جنسی و سیاسی می‌توان از شوخی‌های محسن قرائتی برای شوخی سالم و خنده حلال نام برد. سال‌هاست در برنامه «درس‌هایی

و هیچ‌کس هم نیست جلوی اینها را بگیرد. تمام اشعار در یک مفهوم خلاصه می‌شود که به ما من بودیدو من را رها کردیدو دنیال‌کس دیگری رفتید. مسئولان روی اینها نظارت کنند و در زمینه کمدی از «فرهیختگان» خواهش می‌کنم گوش‌زدی به این کمدین‌ها کنند که در آمریکا هم اینچنین نبود، در کانادا و سیدینی و انگلیس هم این‌طور نبود. وقیح‌ترین‌ها در دانمارک و انگلیس است که آنها هم اینچنین نیستند.

شوخی با مسئولان کشور

بازخورد‌ها خوب بود. من سه ماه قبل از فوت آقای هاشمی خدمت ایشان رفتم و گفتیم از عشاق ۴۰ساله شما هستم و از بچگی شما را دوست داشتم، ولی چند سال پیش دوا سه جا ادای شما را درآوردم و خدمت رسیدم از شما حالیت بطلبم. ایشان سرشان پایین بود، ولی همین که گفتیم آمدم حالیت بطلبم، سر خود را بالا کرد و خندید و گفت پس شما بودید و من خوشم آمد و قشنگ بود. عکس این دیدار در اینستاگرام هست ومی‌توانید ملاحظه کنید. مثلا یک بار تلفنی برای حاج صادق آهنگران با صدای خودشان خواندم. خوش‌شان آمد. دوست ایشان سرداری بود که گفتند گوش‌ی را می‌دهم و عین این را برای آقای آهنگران بخوانید. او هم خندید و خوشش آمد. شوخی با آقای روحانی کردم که در انتخابات هم برای ایشان بد نشده است. این شوخی بازخورد بدی نداشته است. یک بار در خارج کشور یک شوخی در حضور مسئولان جمهوری اسلامی، سفیر و نماینده رهبری و حراست با آقای احمدی‌نژاد کردم که برای مدت کوتاهی باعث شد اجراهای شهرستان‌های ما به مشکل خورد و بعد توضیح دادم و گفتم اصل قضیه این بود و فیلم هم موجود بود.

کتاب درباره نماز

بله، سه بار اسم من در کتاب رکورد‌های جهانی ثبت شده است. یک بار به‌دلیل انتشار کتاب درباره نماز بود. سه میلیون تیراژ سال ۲۰۱۱ داشت. سال ۲۰۱۳ به چهار میلیون و سال ۲۰۱۵ به پنج میلیون رسید و روی این پنج میلیون ایستادیم و توان مالی برید و اجازه نداد. در پایان هم از روزنامه «فرهیختگان» تشکر می‌کنم که نسبت به محتوای برنامه طنز موجود احساس مسئولیت کرده و زنگ خطری را نواخته است.

سنخیت ندارند. کنسرت برای چیزی است که فقط ساز باشد، گفتار جوک نباشد. این کلمه من درآوردمی است.

گردش مالی برنامه‌های طنز

من بلیت‌فروشی نمی‌کنم، ولی داستان آنهایی که بلیت‌فروشی می‌کنند، متفاوت است. مثلا همکاری داشتیم که در کرج برنامه برگزار کرده، تا دو روز مانده به مراسم ۱۰۰ تا بلیت فروخته، ولی سالن ۱۳۰۰ نفره بوده و یک‌باره ۷۰ درصد آف گذاشته یا به شرکت واحد یا غیره بلیت رایگان فروخته تا تمام شود. نمی‌توان آن دو هزار نفر را در ۲۵۰ هزار تومان ضرب کرد. ۳۰۰-۲۰۰ فقط قیمت ردیف جلو است. من خودم بلیت‌فروشی نمی‌کنم، صادقانه مطالب را بیان می‌کنم. اگر با مجانی‌ها در نظر بگیریم ۶۰-۵۰ هزار تومان است. ۷۰ هزار تومان را قبول ندارم، ولی شما ۷۰ هزار تومان بگیرید. مجانی زیاد دارد و خود کنسرت‌گذار محبت می‌کند ۵۰ بلیت به اداره ارشاد و ۵۰ بلیت به اداره اماکن به‌عنوان هدیه می‌دهد، نه اینکه این مراکز بلیت بخواهند. آنها چیزی به‌عنوان باج و رشوه ندارند، ولی هدیه وجود دارد که ۵۰ بلیت می‌دهند. بیشتر سود کنسرت‌ها برای شرکت کنسرت‌گذار است که متاسفانه در آنها آدم‌های ناراست زیاد است. همواره ادعا می‌کنند ضرر کردیم و به اختلاف می‌خورند. آن زمان من برنامه‌های کنسرت را کلا کنار گذاشتم و فقط اجراهای خصوصی را می‌پذیرم که دریافتی من مثلا حدود ۱۰ میلیون تومان است.

حفظ اخلاق و تعهد در اجرا

از طریق روزنامه شما فرصت را مغتنم می‌شمارم و خواهش می‌کنم از مسئولان بخواهید به همه هنرمندان متعدد مخصوصا کمدی توجه شود. وارد مقوله کنسرت و خواننده‌ها نمی‌شویم که افتضاحی وصف‌ناشدنی است، پسر تتو می‌کند و زیربازو برمی‌دارد و آستین کوتاه می‌پوشد و سرتاسر بازوی او خالکوبی است و شلوار تنگ می‌پوشد و یک جفت کش کالج رنگ‌به‌رنگ هم می‌پوشد و یک حلقه در گوش دارد؛ اینها در ایران نبوده است. اینها وارداتی است و در ماهواره دیده‌اند